

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.  
۱۴ دسمبر ۲۰۱۳

## در حاشیه، عالمان دین؟

۱



دیریت که خون می چکد از ابر سپهکار  
جنگل به فغان آمده از دست تبر دار  
شیخان همه شاهند و سفیهان همه سردار  
گونی! که ازین فتنه خدا نیست خبر دار

سحر

### قسمت اول:

در باره دین و عالمان آن نوشته‌های زیادی چه به تأیید و یا رد تراوشهای مغزی و عملکرد شان و یا هم نادیده گرفتن موهومات سر هم بندی شده از طرف آنها در همه جا در طول ادوار تاریخ به چشم می خورد، کلمه عالم دین (به شمول تمام بنیان گذاران طریقت ها، عالمان تصوف و یا هم به اصطلاح علمای فقه تا چلی مسجد همه) بیانگر موجودیت **یک قشر مفت خور، بیکاره خود ستا، چاپلوس، خدمتگار بیگانه**، خیالاباف، مردم ستیز و تهمت گر در پهنای جوامع بشری بوده و می باشد.

این که این عالمان دین در مجموع چرا نتوانستند در جریان گذشت صد ها و هزاران سال تشخیص دهند که واقعاً دین

چیست ؟ و چرا به وجود آمده ؟؟ و دلایل منطقی موجودیت آن چه بوده می تواند ؟؟ خوب است و یا بد ؟ مربوط می شود به موقف طبقاتی و سهم شان در قدرت سیاسی ، و همین عدم تفکر منطقی شان معرفی کننده چهره اصلی آنها می باشد. عالمان دین اسلام بعد از گذشت ۱۴۰۰ سال نفهمیدند که محمد روزانه پنج بار نماز می خواند (یعنی اگر خوانده باشد) به یک حسابی جمعا ۳۲ رکعت در روز ۹۶۰ رکعت در ماه و سالانه ۱۱۵۲۰ رکعت و در مجموع دوران ۲۳ سال پیامبری اش ۲۶۴۹۶۰ رکعت نماز خوانده است اما بد بختی این همه فقیه، عالم، مجتهد، حجة الاسلام، آیت الله، مولوی، ملا ، چلی و مسلمانهای منشعب شده در فرقه های مختلف این است که با در نظر داشت این همه نماز که ایشان ادا نموده اند تا حال نفهمیده اند که محمد در نماز چی می خوانده و در رکوع و سجود چی می گفته و دستهایش را در کجای شکمش می گذاشت ، تا این همه گروه های انشعابی اسلامی فقط یک روشی را در ادای نماز پیش می گرفتند. قرآن همان یک قرآن، پیامبر مسلمانها محمد که ادعا داشت پیامبر!! است، همان یکی، پس چرا این همه فرقه فرقه شدن و پیروی به اشکال مختلف از قرآن و محمد ؟؟ چرا این همه مفسر؟ عالم؟ و فتوا دهنده ؟

این ها بر علاوه این که نتوانسته اند به انسانهای زحمتکش مفید واقع شوند خود در پیدا شدن هزاران مشکل انسانی در جوامع مختلف رول بازی نموده اند و تا آنجا در این مکارگی و خود نمائی ها غرق شده اند که اکنون به علاوه تفسیر های غلط ، به خدا، قرآن و خیلی چیز های دیگر تهمت هم می بندند، که سلسله همین نوشته پیرامون همین موضوعات غرض روشنگری مردم نا آگاه نگهداشته شده ما در چند بخش ادامه خواهد داشت.

این ها همه جاهلان قرون متمادی بوده و فقط با تشخیص این که شغل ملانی و نمایندگی از خدا نمودن کمترین زحمت را داشته و پر در آمد ترین حساب می شود این وظیفه را یعنی حرف بی معنا ، بی محتوا ، نا مفهوم و بی مسؤولیت گفتن را انتخاب و با نقش بازی ها و نیرنگی زیر نام این شغل علناً در خدمت زور گویان به بهانه تعالیم ارشادات آسمانی و نمایندگی از خداوند قائم کننده ارتباط بین نیرو های مسلطه زور گو و غیر عادل با نیروهای استعماری در تضاد با منافع مردم قرار گرفتند و مهارت شان در این بود و است که به گفته ها و اعمال خود شکل **مقدس** و قابل قبول برای مردم خوشباور بدهند تا در نا آگاه نگهداشتن شان از دانش و علم سهم ارتجاعی و خائنانانه خود را ادا و وسیله گمراهی مردم شوند قبل از همه باید نوشت که این طایفه که خود را به نام عالم دین یاد می کنند و سعی دارند بر مردم خوش باور ما بقبولانند خیلی دیده درآ، چشم سفید و پر رو می باشند.

از تشریح خرافات تمام ادیان و ضرورت موجودیت شان در جوامع بشری و سهم گیری مفتخوران جامعه یا همان عالمان دین در پخش اندیشه های زهر آگین دینی اینک می گذرم چه قبلاً طی نوشته های جداگانه خدمت خوانندگان عزیز به عرض رسانیده ام و در این نوشته فقط با نگاهی گذرا نچندان عمیق در باره همین ادیان ابراهیمی فقط از عالمان دین اسلام به ارتباط چند موضوع مهم و حیاتی صحبت می دارم.

از تشریح زندگینامه داوود پیامبر و پادشاه و مجموعه اشعارش به نام مزامیر داوود که ما مسلمانها به آن منحیث کتاب آسمانی می بینیم و باید به آن ایمان داشته باشیم منصرف و دین یهودی را با پیامبرش نادیده گرفته از عیسی بن مریم هم صحبتی نمی دارم.

با وجودی که ادیان ابراهیمی وجوه مشترکی در تأیید بردگی، سنگسار زنان، **زن را من حیث موجودی پائین تر از مرد** دانستن و مالکیت مرد بر زن و ... با هم دارند که البته در صحبت های آینده به این قاعده مشترک ادیان متذکره خواهم پرداخت و همچنان روی موضوع این که عالمان آن دین ها با طرح های ارتجاعی و گمراه کننده در ادوار مختلف چه فتوا هایی داشته اند و این که تا چه اندازه مردم عوام را **فریب** داده و ذهن شان را کرخت نموده اند تا که پیامبران و دنباله روان شان صاحب قدرت، جاه و مقام گردند، هم صحبت خواهم نمود.

و (اینکه علمای ادیان یهودی و عیسویت **با(افتخارات کامل دین پروری)** ، از چه نمایندگی داشته و می دارند و خود در

کجائی از مراحل انسانی قرار دارند؟؟؟ فراموش نخواهد شد.

تمام پدیده‌های به نام دین و مذهب مخصوصاً در قلمرو تسلط مفکوره ابراهیمی برای زور مندان و انتشار دهندگان آن در آمد های خوب اقتصادی و اجتماعی داشته است به همین ملحوظ تعدادی زیادی از بیکاران، تنبلان، مفت خوران و حراف های جامعه روی به این شغل عوام فریبانه آورده و صادقانه برای بادران ملی و بین‌المللی شان، فریبکارانه در جهت اغوای مردم عمل نموده اند؛ تا باشد صاحب نان چرب تر گردند که این موضوع را در کشور ماتم زده خود در **از دیداد ثروت‌های پیران، سیدان، ایشانها، ملا ها و مولوی ها** را به وضاحت می توان مشاهده نمود.

داوود پادشاه و پیامبر به زن حتی «اوریا» تجاوز نمود، باعث قتل خودش شد و زنش را تصاحب و سلیمان پیامبر را نطفه گذاری نمود

از شکار خوشش می آمد و طبع شاعرانه داشت و خودش هم شعر می‌گفت و مجموع اشعارش را به نام مزامیر داوود یاد می کنند.

اما از این که ما و شما مسلمان تولد یافته و زیر بار فشار افکار فاسدعالمان دین با نا آگاهی مجبور به اطاعت از احکام اسلامی هستیم باید بگوئیم که زبور یعنی اشعار داوود پیامبر کتاب خدا ست و از آسمان نازل شده یعنی کتاب آسمانی است و این خود تهمت بزرگی به خدا است ، چون خدا به علاوه این که شعر نمی گوید، از شعرا بدش هم می‌آید !! اما برای این که محمد پیامبر اسلام در قرآن چنین گفته پس اطاعت از این امر بر ما حتمی است، زحمت خواندن زبور را هم باید به خود ندهیم و تجاوز یک پادشاه خونخوار و متجاوز به نوامیس مردم را من حیث تجاوز مقدس قبول نمائیم ورنه ما را همین علمای دین اسلام تکفیر خواهند نمود و این کاری است که فکر می کنم هیچ کدام ما و شما به آن علاقه مند نیستیم؟؟

موسی پیامبر قوم یهود ادعا داشت که مستقیماً با خداوند صحبت نموده است و قوم او بر گزیده شده از طرف یهوه (**خدای طرح شده موسی**) می باشد و به نام خدا هر چه توانست کشت و چپاول نمود، دنباله روانش هم به نام تطبیق کنندگان شریعت موسی در قالب علمای فقه هر چه دلشان خواست روایت و عمل کردند تا نفع بیشتری از چپاول و غارت اموال و دارائی‌های مردم داشته باشند، بردگی را هم مقدس و زن را ملکیت مرد در چوکات شریعت مقدس فتوا دادند و عیسی هم بدون پدر متولد شده و بسیاری ادعا دارند که او فرزند خدا است؟؟ او هم اظهار داشت که : نیامده تا ادیان ماقبل از خود را نابود کند، آمده است که آنها را دنبال نماید و ادامه دهنده شریعت موسی می باشد، تاراج هستی مردم توسط دنباله روان او را که در تاریخ ثبت است و تا اینک به اشکال مختلف ادامه دارد، نمی توان نادیده گرفت و فراموش نمود.

اما نظر به حکم عالمان دین بر مبنای قرآن همه مسلمانها باید همه این‌ها را مقدس دانسته و به حقانیت آن (**البته به شکل مقدس**) ایمان داشته باشند.

هر کدام این صحبت‌ها موضوعات جداگانه بوده و ایجاب تحلیل و نوشتار طولانی را دارد، از این که در مبحث فعلی فقط می خواهم در حاشیه عالمان دین اسلام صحبت داشته باشم، لذا نوشته در باره دیگران را موکول می‌سازیم به وقت دیگر.

**اسلام** : من در نوشته‌های قبلی از دینی به نام اسلام، آدمکشی ها، موعظه های پیامبر، جنگ ها و کشتار مردم دیگر اندیش ، چپاول سر زمین‌های یهودیان و تجاوز به حریم و نوامیس ملت‌های دیگر مفصل نوشته‌ام که در همین پورتال آزدگان موجود است، همچنان نقش یک تعداد از مردمان بی‌عرضه و بی‌کفایت را به نام عالمان دین در سرکوب جنبش های مردمی ضد تجاوز بیگانگان خلق شریف ما و همکاری همین بوت پاکان شیوخ عرب را با ارتجاع داخلی و قوت های مسلط جامعه در همسوئی دفاع از منافع استعمار جهانی به تحلیل گرفتم و بار ها تقاضا نمودم تا یکی و یا چند تن

از این (عالمان دین) پیش آمده و با این موضوعات مطرح شده بر خورد عقلانی و معقول در چوکات دینی که ادعای داشتن آن را دارند بنمایند، اما متأسفانه هیچ کدام شان حاضر به مباحثه در این باره نشده و به نوشتن چرندیات دینی و مذهبی خود ادامه دادند البته به جز چند ابله و نادان خوشبایور که به من فحش و ناسزا گفتند.

این عالمان دین اکثر آن‌ها وارداتی بوده که توسط استعمار به کشور ما فرستاده شده‌اند و تعدادی هم از جمله خوش باوران و یا تنگدستان و فقیر های علمی و اقتصادی جامعه با خوشبینی به آنان و یا شراکت در منافع اقتصادی در خدمت آنها بوده و سعی داشته‌اند تا گفته‌های آنان را بیشتر از خود شان مقدس تر جلوه دهند، این عالمان دین در پهلوی صد ها ردالت و وجدان فروشی کوشش نموده اند اولتر از همه از خدا موجود خون آشام و انتقام جو ترسیم نمایند، و در خیلی از موارد به او تهمت هم بسته اند.

برای روشن شدن خدمات این مرتجعین به قدرتهای استعماری لازم می‌افتد ببینیم عمل‌کرد آن‌ها در مقاطع زمانی مشخص چه بوده و در طول تاریخ چه کار هایی را انجام داده اند و معیار طرح ها و بینش شان از اجتماع چه بوده و چه فرمایشات ایشان به نام دین از مأخذ و تهداب باور های خود شان برخاسته و چه چیز هایی را هم به دین خود شان و منبع اصلی آن تهمت بسته و ما بیخبران را از خود بیخود نموده اند.

مولدان دینی به نام اسلام پس از اختراع دین به مبلغان مذهبی تغییر و غرض زنده نگهداشتن آن دین، به سازمانهای پر قدرت ضرورت داشتند که اصول عقاید خود را زیر عنوان یکتا پرستی در یک چوکات سیاسی استوار گردانند. دین اسلام پس از ظهور خودخواسته‌های مبتکر آن دین را به نام وحی به پیامبر از طرف خدا و کلام مقدس به بشریت معرفی نمودند

اسلام در آغاز ظهور خود پرستش «الله»، کمک به بینوایان و ارزش مهربانی و عدالت را به پیروان شان پند می داد، (در مکه) ولی اندکی بعد متوجه شدند که پند و اندرز دادن آن‌ها برای ایجاد یک دستگاه حکومت الهی زورگو و منفعت طلب چندان رونقی ندارد و کوشش آنها بی نتیجه می ماند (و به مدینه فرار نمودند) بعد از آن با اندک نیروئی که در مدینه سازماندهی نمودند شروع به زور گویی ابتدائی در مقابل قریه ها و قصبه های ناتوان نموده و با تاراج اموال و دارائی آن‌ها و غارت کاروانهای کوچک تجارتي برای خود غنیمتی به دست آوردند.

دین سازان ابراهیمی همه مخصوصاً اسلام ادعا داشتند که از سوی نیروی نا شناخته ای- در این مورد - به نام الله به آن‌ها وحی و الهام می گردد و دستوراتی به آنها می رسد و ایشان هم وظیفه دارند تا آن دستورات را به هر شکلی که ممکن است بالای مردم تطبیق دارند تا بشریت رستگار شده و به بهشت رهنمون شوند و اگر آنها به رضای خود به پیروی از این هدایات تن در ندهند باید به زور آنها را وادار به اطاعت نمود و حتی به قتل باید رسانید تا به بهشت روند!! خلاف «خواست، اراده خدا و سرنوشت از قبل تعیین شده آدمها»، این شیادان جاه طلب و خود خواه طوری گفتار و عمل می دارند که مستقیماً نماینده خدا بوده و حرف شان همان گفتار خداوند است در حالی که آن‌ها فقط برای به دست آوردن ثروت و فرمانروائی در روی زمین بر هم نوعان خود تلاش می کنند.

پیامبران هر کدام در دوره ظهور خود ادعا داشتند که با خدای شان در مورد اسلام «الله» پیوند معنوی دارند و هر آنچه خدا به آن‌ها می گوید همان اصول، قانون برای همه باید باشد و هر پیامبر ادعا داشته که آنچه خدا به او گفته بر تر از اصول و احکامی است که همان خدا به پیامبران دیگر گفته است و دین او بر تر است یعنی این که توسط خدا بر تر ساخته شده است و همین ادعای احمقانه باعث شد تا تاخت و تاز به ادیان دیگر آغاز و سبب قتل و کشتار هزاران و صد ها هزار انسان دیگر در پیروی از دین گردد.

در جوامع مختلف ما با چهره زشت و نا انسانی اسلام رو به رو می‌شویم که لازم است خود را از چنگال پلید و شوم دین و مذهب، واپسگرائی و دین اسلام خرد ستیز نجات دهیم

اسلام ابتدائی عبارت از اسلامی است که محمد اصول و موازین قرآن را به پیروانش آموزش داد ، در مرحله بعدی این دین توسط احادیث و فقیه ها نیرو گرفته و شامل شریعت و قوانین اسلام گردید و مرحله آخری آن هم همین اسلامی است که فعلاً رواج دارد

محمد شخصاً خودش از شعر و شاعر بدش می آمد روی همین انگیزه امروز کسی یعنی مسلمانی نمی تواند از ادبیات و فرهنگ اسلامی به مفهوم شعر و ادبیات صحبت دارد، فرهنگ اسلامی : یعنی قرآن ، فقط همین.

ادامه دارد